



رساله موسوم به :

یک کلمه

با مقدمه مصطفی ملکیان

مستشارالدوله

رساله موسوم به
یک کلمه

میرزا یوسف خان تبریزی
«مستشارالدوله»

مقدمه:

مصطفی ملکیان

سرشناسه	: مستشارالدوله، یوسف بن کاظم، - ۱۳۱۳ق.
عنوان و نام پدیدآور	: رساله موسوم به یک کلمه / یوسف تبریزی (مستشارالدوله): مقدمه مصطفی ملکیان.
مشخصات نشر	: تهران: اندیشه آیدا، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری	: ۸۰ ص:؛ ۵/۱۴×۵/۲۱ س.م.
شابک	: ۹۷۸-۶۲۲-۹۵۵۰۵-۴-۰
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
موضوع	: مستشارالدوله، یوسف بن کاظم، - ۱۳۱۳ق.
موضوع	: قانون‌گرایی (Law) Obedience
	: تجددگرایی (اسلام) Islamic modernism
موضوع	: ایران - اوضاع اجتماعی - قرن ۱۳ق. Iran -- Social conditions -- 19th century
شناسه افزوده	: ملکیان، مصطفی، ۱۳۳۵ - ، مقدمه نویسی
رده بندی کنگره	: DSR۱۳۹۱
رده بندی دیویی	: ۵۵۹/۲۹۰۵۴۷۰
شماره کتابشناسی ملی	: ۸۷۳۰۰۷۷



اندیشه آیدا

مدیر مسئول: ۰۹۱۲۳۳۳۹۷۶۵۱

بک کلمه

	نویسنده: میرزا یوسف خان تبریزی
ناشر: اندیشه آیدا	مقدمه: مصطفی ملکیان
تعداد: ۳۰۰ جلد	نوبت چاپ: اول، ۱۴۰۰
قیمت: ۴۵,۰۰۰ تومان	صفحه آرای: زهرا حسن پور
ISBN: 978-622-95505-4-0	شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۵۵۰۵-۴-۰
	مرکز بخش: دوستان (۶۶۴۰۰۹۸۷)

«حق چاپ برای ناشر محفوظ است»

رساله‌ی یک کلمه، مهم‌ترین اثر میرزا یوسف خان تبریزی، معروف به یوسف مستشارالدوله، رجل سیاسی و روشن‌فکر عهد ناصرالدین شاه قاجار، به احتمال قریب به یقین نخستین اثر به جای مانده از جنبش روشن‌فکری دینی به زبان فارسی است. مستشارالدوله، در این رساله، می‌کوشد تا نشان دهد که اصول تجدّد و تجدّدخواهی در زمینه‌ی نهاد سیاست و قانون‌گذاری نه فقط با تعالیم و احکام دین اسلام ناسازگاری ندارند، بل، بسهولت از این تعالیم و احکام استنباط و استخراج و استنتاج می‌توانند شد. مهم‌ترین این اصول عبارت‌اند از:

(۱) مردم‌سالاری، یعنی این‌که منشاء قدرت دولت فقط اراده‌ی

جمهور مردم است؛

(۲) حق مردم برای انتخاب قانون‌گذاران؛

(۳) شایسته سالاری، یعنی این که ملاک انتصاب به مقام و منصب دولتی فقط اهلیت و شایستگی شخص برای تصدی و تکفل آن مقام و منصب باشد؛

(۴) عدم عزل بلاسبب متصدیان مقامات و مناصب؛

(۵) عدالت قضائی و جزائی، یعنی برابری همه‌ی شهروندان در پیشگاه قانون؛

(۶) مسؤولیت‌پذیری همه‌ی متصدیان مقامات و مناصب، از صدر تا ذیل؛

(۷) وجود هیأت منصفه در دادگاه‌ها؛

(۸) تفکیک قوا، یعنی استقلال هر یک از سه قوه‌ی مقننه، مجریه و قضائیه از دو قوه‌ی دیگر؛

(۹) آزادی مطبوعات و اطلاع‌رسانی؛

(۱۰) روشن‌سازی هرچه تمامتر دخل و خرج دولت؛

(۱۱) عدالت مالیاتی؛

(۱۲) آزادی بیان عقیده؛

(۱۳) آزادی اجتماعات؛

(۱۴) آزادی کامل در حریم شخصی؛

(۱۵) مصونیت جان شهروند از هرگونه تعرض؛

(۱۶) مصونیتِ آب‌رویِ شهروند از هرگونه تعرض؛

(۱۷) مصونیتِ اموالِ شهروند از هرگونه تعرض؛

(۱۸) آزادیِ شغل و حرفه؛

(۱۹) حقِ دفاع از خود در برابر هرگونه ظلم؛

(۲۰) ممنوعیتِ شکنجه؛

(۲۱) حقِ برخورداریِ همه و به خصوص فقرا، از آموزش و

پرورش رایگان.

در واقع مستشارالدوله، از یک سو، به جدّ بر این باور است که رمز پیش‌رفتِ جوامع اروپایی که مظاهر آن را در نظم، امنیت، رفاه، عدالت، آزادی، برابری، آسایش (راحت) عامه، آبادی (عمارت) کشور، کثرتِ علوم، فنون و هنرها (کثرتِ هنر و معارف)، ترقیات و انتظام و اقتدار لشکر میبیند و علتِ پس ماندگیِ جامعه‌ی ایرانی فقط یک چیز است و آن وجود و اجراءِ قانون در آن ممالک و فقدانِ قانون در این مملکت است؛ و، از سویِ دیگر، استشمام و بل مشاهده می‌کند که صاحبانِ قدرت، در ایران، با اصلِ وجود و اجراءِ قانون مخالف‌اند و روحانیان با هر قانونی که مستخرج از کتاب و سنت و حتی برگرفته از احکامِ فقهی نباشد سرِ ستیز دارند. از این رو، عزم جزم می‌کند که هم اثبات کند که تا این یک کلمه، یعنی

قانون، حاکمیت نیابد، به هیچ روی، امکان پیش‌رفت مملکت جامعه‌ی ایران نیست و هم نشان دهد که قوانینی که ضامن پیش‌رفت ممالک غربی شده‌اند اصلاً و ابداً مغایر آموزه‌های کتاب و سنت و احکام فقه شیعی نیستند، بل، به وضوح برگرفته از این آموزه‌ها و احکام می‌توانند بود.

به دیگر سخن، مستشارالدوله می‌خواهد مقاومت عملی و مخالفت نظری با وجود و اجراء قوانین متجددانه‌ی غرب، در ایران، را بی‌اثر و منتفی سازد؛ و این یعنی سعی در جهت‌آستی دادن آموزه‌ها و احکام دینی، و مذهبی با اصول تجددخواهی غربی. هم از این رو است که شاید بتوان مستشارالدوله را نخستین روش‌فکر دینی در حوزه‌ی فارسی‌زبان جهان اسلام، دانست.

تجددخواهی دینی یا به تعبیر رایج‌تر روشن‌فکری دینی جنبشی است در جهت این که جامعه را، در عین حفظ هویت دینی و مذهبی‌اش، متجدد سازد، بدین معنا که نشان دهد که جامعه‌ی متشکل از شهروندان مؤمن و متدین نیز نه فقط می‌تواند، بل، باید مسائل و مشکلات خود را در نهادهای خانواده، اقتصاد، تعلیم و تربیت، سیاست، قانون‌گذاری، علم و فن و هنر و حتی روابط بین‌الدول و بین‌الملل، بر اساس تلفیق داده‌های دینی و یافته‌های

انسانی که این دومی چیزی جز آخرین دست‌آوردهای تمدن و فرهنگ غرب نیست، حل و فصل کند. پیش فرض این توصیه این است که داده‌های دینی با یافته‌های انسانی کاملاً سازگار یا سازگاری پذیراند؛ به تعبیر دیگر، آن چه از متون مقدس دینی و مذهبی استنباط و استخراج می‌شود با آن چه از عقل و عقلانیت بشری استنتاج می‌گردد هماهنگی و توافق دارد. مستشارالدوله به این پیش فرض، لاقلاً در حوزه نهاد سیاست و قانون‌گذاری، التزام تمام دارد.

به نظر مستشارالدوله، برای تبدیل مجموع احکام و فتاویٰ فقهی به مجموعه‌ای از قوانین مملکتی کافی است که پنج کار صورت گیرند:

(۱) احکام و فتاویٰ فقهی مورد قبول ملت و دولت واقع شوند؛
(۲) از این احکام و فتاوا آنها که یا نظراً ضعیف‌اند یا عملاً به آنها ترتیب اثر داده نمی‌شود یا محل اختلاف فقیهان‌اند حذف و طرد شوند؛ برای این کار، فقها باید گرد آیند و قوانین شریعت مورد اجماع را تعیین، تبویب، و تدوین کنند و آن چه را متفق علیه نیست از درجه قانونیت ساقط بدانند؛

(۳) احکام و فتاوا را از ابهام، ایهام، غموض، و اغلاق بپیرایند تا

برای همه‌ی شهروندان، بدون شرح و تحشیه قابل فهم باشند؛

۴) احکام و فتاوی که به امور اجتماعی، یعنی به ارتباط انسان‌ها با یکدیگر و با محیط زیست‌شان، ناظراند را به صورت قانون درآورند و احکام و فتاوی را که به امور انفرادی، یعنی به ارتباط انسان با خدا و با خودش، نظر دارند به مجموعه‌ی قوانین راه ندهند. به تعبیر خود مستشارالدوله، فقط احکام و فتاوی مربوط به مصالح دنیوی را صورت قانونی دهند و احکام و فتاوی مربوط به مصالح اخروی را از مجموعه‌ی قوانین بیرون کنند تا شهروندان به هر دین و مذهبی که التزام داشته باشند بتوانند با قوانین موافقت و مرافقت داشته باشند؛ به عبارت دیگر مناسک و شعائر دینی، که همان، به اصطلاح، عبادات و تعبدیات‌اند، نباید اذن دخول به مجموعه‌ی قوانین داشته باشند و این مجموعه فقط باید شامل، به اصطلاح، معاملات و توصلیات شود؛

۵) احکام و فتاوا باید آداب و رسوم و عرف و عادات، یعنی امور عرفی و عادی، را نیز شامل شوند، و آلا کسانی این فرصت و مجال را می‌یابند که با نام آداب و رسوم و عرف و عادات، که در مجموعه‌های قوانین مسطور و مکتوب نشده‌اند، بر دیگران ظلم و تعدی کنند.

مستشارالدوله برای آن که نشان دهد که اصول سیاست و قانون گذاری متجدد و تجدّدخواهانه با احکام فقهی و آموزه های قرآن و روایات منافات ندارند، اصول قوانین کشور فرانسه را که برخلاف فروع آنها که به مقتضای زمان، مکان، و وضع و حال دگرگون می شوند، ثبات و قرار دارند و تغیر و تبدل نمی پذیرند در ۲۱ فقره تلخیص می کند و در ذیل هر یک از این ۲۱ فقره، که آنها را جان و روح قوانین فرانسه می داند، آیات، روایات، و آراء فقهی ای می آورد که همه با مفاد آن فقره موافقت و سازگاری دارند. در پایان رساله، دو نتیجه کلی و مهم ذکر می شوند: یکی این که "در دنیا، فردی از آفریدگان، از شاه و گدا و رعیت و لشکری، هیچ کس حق حکم ندارد، یعنی حاکم نیست، بل که محکوم و مکلف است... حاکم یزدان است."؛ و دیگر این که ۲۱ فقره پیش گفته "اگرچه حقوق عامه ای فرانسه نام دارد، ولی در معنا حقوق عامه ای مسلمانان، بل کل جماعت متمدنه است؛ و چون جمیع آنها با احکام و آیات قرآنیّه مؤید آمده، پس احکام الهی است و واجب است که آنها را به عمل آوریم."

نگارش رساله ای یک کلمه، البته از دل سوزی و شفقتِ مستشارالدوله نسبت به کشور و مردم خود حکایت دارد. همچنین

با توجه به مکان و زمان نگارش این رساله و اوضاع و احوال جهان و ایران، در هنگام نگارش اش، تبیین‌پذیر و قابل فهم است که چرا مستشارالدوله تأکیدی چنین بلیغ بر قانون و قانون‌گذاری، به عنوان عامل پیش‌رفت جوامع غربی می‌کند و نه بر تعلیم و تربیت همگانی، چرا همه‌ی اهتمام اش مصروف این است که قرآن و روایات و احکام شریعت و فقه را با روایت متجددانه از حقوق و تکالیف سیاسی موافق جلوه دهد، و چرا تبدیل مجموع احکام فقهی را به مجموعه‌ای از قوانین مملکتی کاری سهل قلم داد می‌کند. اما، با این همه، نمی‌توان ناگفته گذاشت و گذشت که طرح و برنامه‌ی پیش‌نهادی او، یعنی تأسیس عقلانیت، اخلاق جهانی و حقوق بشر امروزین بر پایه‌ی آموزه‌های دینی و مذهبی، راه به جایی نمی‌برد و جامعه را به سرمنزل مقصود نمی‌رساند. اقتضای عقلانیت این است که سخن هیچ کس را بدون عرضه‌ی دلیل نپذیریم و به هیچ گزاره‌ی خردستیز باور نیاوریم و این با تعبد، که گوهر دین‌داری است، سازگار نیست. اقتضای اخلاق جهانی این است که با همه‌ی انسان‌ها، بلااستثناء، رفتار برابر داشته باشیم و به هیچ چیز جز انسانیت مشترک‌شان التفات نوزیم؛ و این با بسیاری از تعالیم دینی و احکام فقهی نمی‌سازد. و اقتضای التزام به حقوق بشر این است که

مقدمه در شرح یک کلمه ۱۱

هر ویژگی‌ای را که در انسانی هست و علم و اراده‌ی خودِ آن انسان
نقشی در پیدایشِ آن ویژگی نداشته‌اند نه موجب امتیازی برای او
بدانیم و نه موجب محرومیتی؛ و این نیز با بسیاری از تعالیم دینی و
احکامِ فقهی همخوانی ندارد.

آن‌چه می‌ماند انسانیت، کرامت، شرف و شفقتِ مستشارالدوله
است که او را به نگارشِ چنین رساله‌ای برانگیخت، اگرچه خود،
چنان‌که در بسیار مواردِ دیگر نیز تکرار شده است، از آن جز درد و
رنج و مرگِ زودرس نصیبی نبرد. یاد اش جاودانه باد!



فهرست مطالب

۱۵ سخن مؤلف
۲۱ مقدمه در شرح یک کلمه
۲۹ فصل در حقوق عامه فرانسه
۶۹ خاتمه مشتمل است بر دو بیان
۷۷ تحقیق

